



Paper from well managed  
forests and controlled sources  
کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع  
کاملاً مدیریت شده تهیه شده است.

# جوان وجوانی در ایران



جان  
وجوانی  
در ایران



بنگاه ترجمه و نشر  
کتاب پارسه

نویسنده گان  
از

عنوان و نام پدیدآور: جوان و جوانی در ایران/ با گفتارهایی از تقی آزادارمکی... [و دیگران]؛ گروه کارشناسی هدی امامی... [و دیگران]؛ دبیر گروه کارشناسی ضحی معتمدی  
مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۴۰۰  
مشخصات ظاهری: ۴۲۴ ص  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۸۲۹-۱  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا  
یادداشت: با گفتارهایی از تقی آزادارمکی، مرضیه ابراهیمی، ابراهیم اخلاصی، محسن بنی‌جمالی، محمدحسین پناهی، مجید توکلی، علی جنادله، محمدرضا جوادی‌یگانه...  
یادداشت: گروه کارشناسی هدی امامی، اسما صارمی، فردوس شیخ‌الاسلام، پیمان مغازه، اشرف‌سادات موسوی، سیده‌هدی ناجی.  
موضوع: جوانان -- ایران / جوانان -- ایران -- وضع اجتماعی / جوانان -- ایران -- زندگی فرهنگی / نوجوانان و جوانان -- وضع اجتماعی -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها /  
رده‌بندی کنگره: HQ۷۹۹  
رده‌بندی دیویی: ۳۰۵/۲۳۵۰۹۵۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۶۰۳۰۰



## ■ جوان و جوانی در ایران

جمعی از نویسندگان

آماده‌سازی و تولید: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه با همکاری موسسه رحمان

طراحی گرافیک: پرویز بیانی چاپ و صحافی: گیلان

نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۱، ۳۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.  
هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

### بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،

طبقه سوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

@ketabeparseh



### با گفتارهایی از:

تقی آزادارمکی، مرضیه ابراهیمی، ابراهیم اخلاصی، محسن بنی جمالی، محمدحسین پناهی، مجید توکلی، علی جنادله، محمدرضا جوادی یگانه، محمد خدایاری فرد، سعید ذکایی، حسین راغفر، جبار رحمانی، حسن طائی، محمدجلال عباسی شوازی، محمدمهدی عسگرپور، هادی علویون، امید علی احمدی، مقصود فراستخواه، عباس کاظمی، شهلا کاظمی پور، محمدتقی کرمی، محمدرضا مدقق، سید ضیا هاشمی

### گروه کارشناسی:

هدی امامی، اسما صارمی، فردوس شیخ الاسلام، پیمان مغازه، اشرف سادات موسوی، سیده هدی ناجی

### دبیر گروه کارشناسی:

ضحی معتمدی



## فهرست

|   |     |
|---|-----|
| مقدمه   | ۹   |
| تصویر جوانی در سینمای ایران؛ گفت و گو پیرامون فیلم «متولد ۶۵» / مجید توکلی، حمیدرضا مدقق و محمدمهدی عسگرپور | ۲۹  |
| بررسی مفهوم جوانی / تقی آزادارمکی و محمدجلال عباسی شوازی  | ۶۳  |
| تنهازیستی / شهلا کاظمی پور و امید علی احمدی   | ۹۵  |
| جوانان و فراغت حقیقی و مجازی / عباس وریج کاظمی  | ۱۱۹ |
| تغییرات سبک زندگی و حلقیات جوانان / محمدرضا جوادی یگانه و علی جنادله  | ۱۴۵ |
| سیاست گذاری در حوزه جوانان / سیدضیاء هاشمی و سیدمحسن بنی جمالی  | ۱۷۷ |
| جوان، بدن، هویت اجتماعی / محمدتقی کرمی و ابراهیم اخلاصی   | ۲۰۹ |
| تأملی در رنج های جوان امروز ایرانی / مقصود فراستخواه و محمدسعید ذکایی                                       | ۲۲۹ |
| جوان، شغل، و چشم انداز آینده / حسین راغفر و حسن طایی  | ۲۶۹ |
| دین ورزی امروزی جوانان / محمد خداپاری فرد و جبار رحمانی   | ۳۱۵ |
| زیست جنسی جوانان / گفت و گو با مرضیه ابراهیمی   | ۳۵۱ |
| وضعیت اختلاف نسلی در ایران / محمدحسین پناهی و هادی علویون   | ۳۷۷ |
| منابع   | ۴۱۹ |





## مقدمه

ارتقای سیاست‌های بهداشتی، تغییرات فضای سیاسی و حمایت‌های ایدئولوژیک از فرزندان آوری و نیز پیامدهای افزایش رفاه نسبی شهرنشینان در نیم‌قرن اخیر به تدریج باعث افزایش رشد جمعیت ایران و در نتیجه، تورم قشر جوان در ساختار سنی جمعیت آن شد. به عقیده کارشناسان، این تحول به ایجاد یک پنجره یا فرصت جمعیتی پیش‌روی جامعه ایران منجر شد. از اواسط دهه ۱۳۷۰، سیاست‌گذاران در ایران تأکید داشتند که باید به فکر جوانان بود. اما ظاهراً همیشه در ایران، به جای دیدگاهی که به دنبال پرورش ظرفیت‌های بالقوه جوانان باشد، نوعی بدبینی به آن‌ها وجود داشته است.

اگرچه همواره گفته می‌شود که ساختار سنی ایران جوان است و باید بر جوان‌گرایی در عرصه‌های مدیریتی تأکید کرد و از طرف دیگر، طبق تعاریف فعلی، دوره جوانی فاصله ۱۸ تا ۳۵ سالگی را شامل می‌شود، باز هم به سستی می‌توان حضور جوانان را در عرصه‌های مدیریتی مشاهده کرد. در برخی کشورها یک جوان ۳۹ ساله رئیس‌جمهور می‌شود و در ایران، پس از تلاش‌ها و چانه‌زنی‌های فراوان و در بهترین حالت، تنها یکی از هجده وزیر کابینه از بین جوانان انتخاب می‌شود. در حالی که

در سال‌های اول پس از انقلاب، جوانانی کم‌سن عهده‌دار مسئولیت‌های مهم نظامی و دولتی بودند، چه تغییراتی رخ داده است که اکنون وقتی فردی ۴۰ یا ۴۵ ساله به مسئولیتی گماشته می‌شود، آن را مصداق جوان‌گرایی محسوب می‌کنند؟ آیا جوانان تغییر کرده‌اند یا نگرش جامعه به جوانان تغییر کرده است؟ مرکز پژوهش‌های مجلس از سال ۱۳۷۴ گزارش‌هایی دربارهٔ وضعیت جوانان و بیم‌وامیدهای آینده آنان تهیه کرده است. اما پس از ۲۵ سال، با نگاهی به بازنمایی فرهنگ عامه و رسانه از جوانان، هنوز مشخص نیست که آیا سیاست‌گذاران جوانان را فرصت می‌دانند یا تهدید. جدا از عرصه‌های سیاسی، در عرصهٔ اجتماعی نیز هم‌چنان هم‌نشینی کلمات «جوانی» و «جاهلی» و «خامی» و «سبک‌سری» و «بی‌مسئولیتی» کاربرد دارد. اما تناقضی نیز وجود دارد و آن این که علی‌رغم جایگاه‌نه‌چندان مطلوب جوانان در عرصهٔ اجتماعی، جوانی هم‌چنان آرمانی است که همه آن را می‌جویند تا دست کم در ظاهر خود به آن تداوم بخشند.

آیا چون جوانان در سال‌های اخیر به اندازهٔ کافی در مسیری متناسب با نقش‌های نهادینه‌شدهٔ بزرگ‌سالی نبوده‌اند، از مشارکت در عرصه‌های مختلف جا مانده‌اند؟ نظر و خواست جوانان چیست؟ آیا آن‌ها از وضعیت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی خود رضایت دارند؟ جوانان چه اولویت‌هایی در زندگی داشته‌اند و دارند؟ نتایج پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان ایران در سال ۱۳۸۳ بیانگر این است که تحصیلات و اشتغال، کسب ثروت و مهارت و با فاصلهٔ زیاد، تشکیل خانواده جزو مهم‌ترین اهداف و خواسته‌های جوانان بوده است. اما آمار و تحقیقات جدیدتر چه می‌گویند؟ سیاست‌گذاران برای این خواست‌ها چه اندیشیده‌اند و جوانان در دستیابی به این اهداف چقدر کامیاب بوده‌اند؟

امروزه به کرات گفته می‌شود دورهٔ جوانی بسیار طولانی شده است. در گذشته، افراد در سنین پایین جوانی مشغول به کار می‌شدند و مسئولیت می‌پذیرفتند. اما اکنون وضعیت چگونه است؟ آیا جامعه شرایط را برای جوانان فراهم نکرده است یا این که جوانان نگرش متفاوتی به زندگی پیدا کرده‌اند؟ به نظر می‌رسد که جوانان به‌طور کلی

در پی تجربه شکل‌های جدیدی از سبک زندگی‌اند، هر چند ساختار کشور هنوز تمایل به آشکال قدیمی دارد. به نظر می‌رسد الگوگیری و رجوع به گروه‌های مرجع با گذشته تفاوت دارد و دیگر مثل گذشته مسیر زندگی جوانان را تعیین نمی‌کند و در نتیجه، مسیر هموار و امنی پیش‌روی جوانان نیست. مسائل چندبعدی جوانان باعث افزایش پیچیدگی نظریه‌پردازی در این زمینه شده است.

توضیح برخی ابهامات و پرسش‌ها به فهم بهتر این مسائل کمک خواهد کرد: جوانی مرحله‌ای از زندگی است یا پدیده‌ای اجتماعی که منطبق اجتماعی خاص خود را دارد و شامل نقش ثابتی است که انتظار می‌رود در شرایطی خاص ایفا شود؟ آیا جوانی یک محدوده سنی است یا نوعی نگرش ذهنی؟ آیا جوانی واقعیتی اجتماعی است یا نمادی از آزادی عمل و انتخاب و نمادی از انرژی و نشاط و خطرپذیری؟ اگر این‌طور است، چرا به نظر می‌رسد که جوانان ایرانی از نظر ویژگی‌های نمادین فوق شرایط نامطلوبی دارند؟

کارشناسان مؤسسه رحمان که طی سال‌های اخیر نشست‌هایی برای کندوکاو در مسائل اجتماعی ایران طراحی کرده‌اند، بر آن شدند تا با طرح مطالعه‌ای چندجانبه، وضعیت جوانان را در ایران بررسی کنند. مؤسسه رحمان در نشست‌های ماهانه طی شهریور ۱۳۹۶ تا مهر ۱۳۹۷، موضوع «جوانان و جوانی در ایران» را دنبال می‌کرد. مفهوم جوانی، الگوهای خانواده و تنه‌ایستی جوانان، سبک زندگی جوانان و مؤلفه‌های فرهنگی ایرانی، اوقات فراغت حقیقی و مجازی، طولانی‌شدن دوره آموزش و کسب مهارت و تأثیر آن بر اشتغال، سلامت و انحراف جوانان، و سیاست‌گذاری در حوزه جوانان جزو محورهای این بحث‌ها بود که برخی از آن‌ها بر حسب امکانات تحقق یافت. هدف از این نشست‌ها آن بود که علاقه‌مندان بتوانند با بحث درباره زوایای پنهان این حوزه و تکمیل نقایصی که در تحلیل پدیده‌های اجتماعی وجود دارد، به فهم بهتری از جامعه دست یابند. طبیعتاً ابهامات و پرسش‌ها فراوان بود، اما تلاش شد تا در هر نشست، بعدی از مسئله از منظر دانش علمی متخصصان تحلیل شود. هر نشست با حضور یک کارشناس مجری و دو متخصص برگزار می‌شد و هدف

آن بود که از دانش متخصصان هر حوزه برای توضیح مسائل استفاده شود و در پایان نیز یک مقاله و یک مصاحبه به مجموعه اضافه شد.

از همراهی و صبوری استادان محترم سپاسگزاریم و به خصوص از تأخیر در انتشار این مجموعه عذرخواهی می‌کنیم. هم‌چنین، قدردانی می‌کنیم از کارشناسان نشست‌های فوق، مجری محترم جناب آقای بهروز اشرف‌سمنانی<sup>۱</sup> و همکاران پرتلاش مؤسسه رحمان و عزیزانی که از مشاوره آن‌ها بهره بردیم. هدف از تهیه این مجموعه آن بود که بینشی عمیق‌تر درباره گهر بی‌بدیل جوانی فراهم شود و این شاء الله که راهگشای برنامه‌ریزی‌های مؤثرتر باشد. در ادامه، به بعضی از نکات مطرح‌شده در صحبت‌های استادان اشاره خواهد شد.

### فیلم سینمایی متولد ۶۵

در مرداد ۱۳۹۶، فیلم سینمایی متولد ۶۵ محصول سال ۱۳۹۴، به‌عنوان پیش‌درآمدی بر نشست‌های «جوان و جوانی در ایران»، در مؤسسه رحمان به‌نمایش درآمد. در این برنامه، حمیدرضا مدقق، منتقد سینما، و محمدمهدی عسگرپور و مجید توکلی، تهیه‌کننده و کارگردان فیلم، حضور داشتند. حمیدرضا مدقق در این جلسه درباره بازنمایی جوانان در سینمای ایران پیش و پس از انقلاب صحبت کرد و گفت که این بازنمایی‌ها عمدتاً برحسب فرازونشیب‌های جامعه متفاوت بوده است. به‌نظر او، بخش مهمی از این تفاوت‌ها را در نگرش به طبقات بالا و پایین جامعه و ویژگی‌های زن و مرد در این فیلم می‌توان یافت. عسگرپور، تهیه‌کننده فیلم، با گلایه از نبود برنامه‌ریزی‌های واقع‌بینانه و درست برای حوزه فرهنگی کشور، به چالش‌هایی پرداخت که فیلم‌سازان و نویسندگان و کارگردان‌ها برای بازنمایی مسائل جوانان و زنان در فیلم‌ها با آن روبه‌رو بوده‌اند، گرچه اکنون وضعیت تولید فیلم درباره جوانان بهتر از دهه‌های پیش است. او معتقد است که

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی Behrouz.ashraf.semmani@gmail.com

فاصله نسلی و ویژگی‌های فرهنگی جامعه باعث می‌شود پرداختن به دغدغه‌های واقعی فیلم‌سازان در حوزه جوانان با دشواری روبه‌رو باشد. صحبت کارگردان مربوط به رؤیایپردازی‌های جوانان هم‌سن خودش می‌شود که آن را در فیلم متولد ۶۵ به تصویر کشیده است و فیلم را واکنشی در برابر شرایط اجتماعی اقتصادی جامعه می‌داند. او اهمیت آسیب‌شناسی حسرت‌هایی را یادآور می‌شود که به‌ویژه در فضای مجازی بسیار دیده می‌شود؛ حسرت تعلق به طبقات بالای جامعه و نارضایتی از امکانات موجود.

### بهره‌گیری از پنجره جمعیتی

در سخنان آقای عباسی شوازی، به ساختار جمعیتی جوان کشور اشاره و از «پنجره جمعیتی» به مثابه فرصتی نام برده شد که می‌تواند تحولات بهتر و پویایی بیش‌تری در جامعه ایجاد کند. کسب خروجی بهتر از گروه جوانان مستلزم بهبود عواملی مانند تحصیلات، امنیت و امید زندگی در آنها است. اما در شرایط متناقض کنونی، ساختار حکومتی و وضعیت آموزش و صنعت در ایران هنوز سال‌خورده است و قوانین مرتبط با جوانان، بیش از آن که به اشتغال و سلامت بپردازد، به مقولات ارزشی محدود شده است. این‌ها مانعی برای بهره‌گیری بهتر از پنجره جمعیتی است.

### دگردیسی در مفهوم جوانی

در صحبت‌های تقی آزادارمکی، جوانی دوره‌ای با نیروی خلاقیت و زیایی تعریف می‌شود. این پدیده به شکل مفهومی اجتماعی در طول تاریخ و طی حوادث اجتماعی مختلف ظهور و تحول یافته است. در ایران، دو دوره قابل بررسی است: دوره بی‌اعتنایی به جوانی و دوره افزایش اهمیت جوانی. هرچند مفهوم جوانی از نیروی شهوانی و نادان به نیروی حیات‌بخش دگردیسی داشته، تحقیقات و سیاست‌گذاری‌ها در این حوزه هنوز سازمان‌یافته و نهادینه نشده است.

## تنهازیستی با هدف «استتار»

از نظر شهلا کاظمی پور، تنهازیستی در گذشته امری ناخواسته بود، اما اکنون به دلایلی مانند افزایش سن ازدواج، عدم اتکای مالی به خانواده، تضعیف کارکرد خانواده، شکاف نسلی و بهره‌مندی از آزادی و استقلال جوانان، تمایل به تنهازیستی و زندگی مجردی بیش‌تر شده است. تنهازیستی در ایران با غرب تفاوت دارد، زیرا هدف از تنهازیستی در غرب اغلب کسب استقلال است، اما در ایران بیش‌تر ناشی از گرایش جوانان به «استتار» زندگی دل‌خواهشان است. طبق همین بحث، مشکل سیاست‌های بالادستی در ایران این است که یک تیپ جوان برای جامعه ایرانی تعریف شده و خارج از آن، معضل قلمداد می‌شود. از طرف دیگر، گویا در ایران، نه بحران جوان، بلکه بحران خانواده وجود دارد. دولت و سازمان‌های غیردولتی باید در زمینه خانواده و آموزش مداوم آن‌ها فعالیت مؤثرتری داشته باشند تا بهتر بتوانند از جوانان حمایت و زندگی دل‌خواه آن‌ها را تحمل کنند.

## برنامه‌ریزی برای جوانان با رعایت تمایزات

امید علی‌احمدی می‌گوید آمار تنهازیستی در ایران پایین است و بنابراین باید به آمارها شک داشت. ازدواج نهادی تاریخی است، اما تحولات پرشتاب از نهادینه شدن آن کاسته است. در ایران، به دلیل برخورد متفاوت با مدرنیسم، گفتمان‌های متعارضی درباره امر جنسی وجود دارد. پدیدهٔ تجرد در سه بُعد کلان، میانی و خرد قابل بررسی است. در سطح کلان، کاهش سرمایه اجتماعی، امید اجتماعی و فرصت‌های اجتماعی و هم‌چنین، تنزل شأن ازدواج به «راه‌حلی برای مسائل جنسی» بر پدیدهٔ تجرد تأثیر می‌گذارد. در بُعد میانی می‌توان گفت که مسیر خطی زندگی سنتی با مسیرهای متعددی جایگزین شده است. از نظر جوانان، ازدواج تنها راه پیمودن این مسیر نیست. در بُعد خرد، جوانان چون نمی‌توانند برنامه مشخصی برای زندگی داشته باشند، آسایش حاصل از زندگی مجردی را ترجیح می‌دهند. دست‌کم هجده تیپ گوناگون در جوانان وجود دارد که برای هر کدام می‌توان برنامه‌ریزی مجزایی انجام داد. اگرچه تنهازیستی ممکن است

کارکردهای مثبتی نیز داشته باشد، آسیب‌های اجتماعی در افراد تنها زیست بیش‌تر از کسانی است که در خانواده زندگی می‌کنند. راه‌حل این است که دولت و رسانه‌ها از نگاه تک‌گفتمانی فاصله بگیرند و گفتمان‌های دیگر را نیز ببینند. خانواده و سازمان‌های مدنی نیز باید تربیت و مهارت و تعهد اجتماعی لازم برای زندگی خانوادگی را ایجاد کنند. از طرف دیگر، یک راه‌حل نیز مربوط به خانواده است: اگر جوانان امکان ازدواج ندارند، دست‌کم باید بتوانند در خانواده خود متفاوت باشند.

### درک منطق حاکم بر «فضای ترکیبی»

عباس کاظمی می‌گوید نسل جوان دیگر در فضای دوگانه واقعی و مجازی زندگی نمی‌کند، بلکه درگیر فضای پیوندی و ترکیبیِ سومی است که در آن، به‌جای «تقابل»، از «تبادل» صحبت می‌شود. این فضای سوم هویت‌های ترکیبی و تکه‌پاره‌ای ایجاد کرده است که عدم‌تعلق به مکان را موجب می‌شود. برای درک هر نسل باید ابزارها و قهرمان‌های آن نسل را فهمید. جوانان امروز، به‌جای گروه مرجع، تحت تأثیر «گروه‌های تأثیرگذار» در فضاهای ترکیبی‌اند. اوقات فراغت جوانان نیز ترکیبی است. در این فضای ترکیبی، پیوستگی و امتزاج بر ارتباط و تعامل اولویت دارد. فضای پیوندی به افراد امکان می‌دهد تا مخاطبانی داشته باشند و وجود مخاطب باعث افزایش قدرت و ظهور زندگی جدید و تولد دوباره می‌شود. این فضا تهدید نیست، بلکه فرصت است. اما این فضا آرمان‌شهر نیست و نابرابری هم‌چنان در آن وجود دارد. از نظر جوانان امروزی، این استدلال که «واقعی خوب است و مجازی خطرناک است»، معنایی ندارد. آن نوع سیاست‌گذاری که آرزوها و نیازهای جوانان را با برداشت نخبگان ترکیب کند، در این زمینه مؤثر خواهد بود، چون از پایین به بالا است. سیاست‌گذاران حوزه جوانان باید در این فضای ترکیبی زندگی و آن را درک کنند.

### ابهام ارزشی و تغییرات جوانی

محمدرضا جوادی یگانه می‌گوید که براساس پیمایش‌ها، دیدگاه جوانان منفی‌تر

از سایر اقشار جامعه ایران است و نگرش آن‌ها با نسل‌های قبل تفاوت اساسی دارد. جوانی در ایران در حال تغییر است و مسئله کنونی «ابهام ارزشی» است. ارزش‌های تربیتی و اخلاقی در جامعه ایران مبهم‌اند و جوانان بیش‌تر دچار آنومی‌اند. در ایران، دو نوع شخصیت در جامعه وجود دارد: شخصیت آرمانی و ایده‌آل و شخصیت رایج و شایع. ساختار جامعه به‌شکلی است که امکان‌پذیری شخصیت آرمانی را منتفی می‌کند و این باعث تشدید رفتارهای ضد اخلاقی در افراد می‌شود. این رفتارها در مواقع کسب نفع شخصی شدیدتر از موقعیتی است که افراد از نفع شخصی‌شان صرف‌نظر می‌کنند. جنبه دیگر این بحث درباره وجود گسل‌هایی در جامعه است؛ گسل‌هایی مانند افت وضعیت اقتصادی، گسترش نارضایتی، تبعیض و تغییرات حوزه جوانی. این گسل‌ها ممکن است همدیگر را تقویت کنند و فعال‌تر و مخرب‌تر شوند. اما این گسل‌ها را می‌توان هشدار برای مقاومت‌سازی جامعه تلقی کرد. ابتدا باید پذیرفت که جوانان بیش از آنچه تصور می‌شود، تغییر کرده‌اند و در مقابل، جامعه کم‌تر از آنچه تصور می‌شود، جوانان را درک کرده است. مشکلات جوانان ایرانی عمدتاً منشأ ساختاری و فرهنگی دارد. مسائل جوانان را باید درست فهمید و آن را دوباره بررسی کرد تا بتوان وضعیت جوانان را به‌درستی تشخیص داد و برای آن برنامه‌ریزی کرد.

### دیدگاه ساختاری: دیدگاه مناسب برای تبیین مسائل جوانان

علی جنادله درباره خلیات نویسی می‌گوید که این دیدگاه آسیب‌شناختی مبتنی بر ویژگی‌هایی فرهنگی است که در توسعه نیافتگی جامعه نقش دارند. طبق این دیدگاه، ارزش‌ها تغییر کرده و تضعیف شده‌اند و بنابراین، ضروری است که این ارزش‌ها بازنگری شوند. این نوعی تبیین فرهنگی است، اما تبیین ساختاری از نظر او مهم‌تر است. تحولات سبک زندگی جوانان از تعامل عاملیت جوانان و محدودیت‌های ساختاری نشئت می‌گیرد. سبک زندگی جوانان پس از انقلاب را می‌توان در سه دسته جای داد: زیرزمینی، مصرفی و کنشگر. در سبک زیرزمینی، جوانان به پنهان کردن فرهنگ خود گرایش دارند. در سبک مصرفی، نوعی مقاومت نمادین شکل می‌گیرد.



سبک کنشگر نیز به مقاومت آشکار جوانان در برابر محدودیت‌ها اشاره دارد. جامعه ایران با تورم ارزش‌ها مواجه است و فرهنگ رسمی با فرهنگ غیررسمی انطباق ندارد و فرهنگ رسمی هرچه را خارج از چهارچوب خودش باشد، آسیب تلقی می‌کند. از دیدگاه ساختاری، ریشه مشکلات جامعه در ساختارهای کلانی است که مناسبات و رویه‌های اجتماعی و قواعد و قوانین جامعه را شامل می‌شود. بنابراین، تغییرات نهادی و ساختاری راه‌حل معضلات جوانان است.

### چالش‌های سیاست‌گذاران حوزه جوانانی

ضیاء هاشمی می‌گوید که برای ارزیابی سیاست‌ها باید چالش‌های پیش‌روی سیاست‌گذاران را شناسایی کرد تا مشخص شود که سیاست‌ها چقدر متناسب با این چالش‌ها بوده است. چالش اول موضوع جوانی است که به ابهام و سردرگمی در انتخاب مسیر زندگی اشاره دارد و نتیجه می‌گیرد که مهم‌ترین وظیفه سیاست‌گذاران رفع این ابهامات است تا جوانان بهتر بتوانند مسیر زندگی‌شان را انتخاب کنند. چالش بعدی ابهام در تکالیف و اختیارات سازمان‌های متولی است. این ابهامات ناشی از عمر و تجربه کوتاه این سازمان‌ها است. تغییرات مستمر و بی‌ثباتی در سازمان‌ها موجب ابهامات بیش‌تری است. حتی رسانه که می‌تواند فرصت هویت‌یابی باشد، چالش‌هایی جدی دارد. هاشمی می‌گوید توفیقات محدود در سیاست‌گذاری حوزه جوانان نیز مواردی خاص و فرعی یا صرفاً ابتکارات فردی بوده است و از نظر ایجاد اجماع گسترده یا تصویب سیاست‌های جامع به خصوص از جنبه اجرایی، به‌سختی می‌توان از موفقیت صحبت کرد. او می‌گوید که مدیران جامعه باید تغییر کنند و مدیران جدید نه لزوماً جوان، بلکه باید «جوان‌شناس» باشند. راه‌حل دیگر عبارت است از دست‌کشیدن از نظارت‌های غیرضروری، موازی‌کاری و محدودیت و مداخله بیش‌ازحد در این حوزه. سیاست‌گذاری باید معطوف به مشارکت فعال جوانان باشد، به طوری که آن‌ها خودشان بتوانند از بین گزینه‌های متعدد انتخاب کنند و حتی فرصت اشتباه داشته باشند.

## ماهیت بین‌بخشی مدیریت امور جوانان

بنی‌جمالی می‌گوید که مدیریت امور جوانان، به دلیل ماهیت بین‌بخشی آن، نیازمند هماهنگی سیاست‌ها در دستگاه‌های مختلف است. به گفته او، مشکل اصلی حوزه جوانان این است که سیاست‌گذاری‌های آن بیش‌تر بر حوزه فرهنگی متمرکز بوده و به فراسوی بُعد فرهنگی توجه نداشته است. غلبه مدیران ورزشی بر حوزه جوانان در سال‌های اخیر نیز یکی دیگر از مشکلات این حوزه است. از طرف دیگر، نظام رفاهی ایران توانایی حمایت کافی از جوانان را ندارد. مبحث نظریه پردازی نیز یکی دیگر از معضلات جامعه است. از آن‌جا که نظریه پردازی مؤثر و بومی درباره جوانان وجود ندارد، بسیاری از پارادایم‌های موجود نمی‌تواند مسائل جوانان را به‌طور جامع توضیح دهد. کاربرد پارادایم‌های «گذار»، «نسل» و «اقتصاد سیاسی» ممکن است به نتایجی متفاوت و مسیرهایی جداگانه منتهی شود.

## غلبه امر بین‌الذهانی بر شکل‌گیری هویت

محمدتقی کرمی می‌گوید جوانان از طریق مدیریت بدن، برای خودشان هویت فراهم می‌کنند و به خودشان معنا می‌دهند. تأکید بر بدن تاحدی به دلیل نبود مراجعی است که به زندگی جوانان هویت و معنا می‌دهند. از طرف دیگر، امر مرئی بر امر نامرئی غلبه پیدا کرده و فرهنگ به پدیده‌ای «چشمی» تبدیل شده است. نکته مهم در زندگی شهری این است که مواجهه با آدم‌ها در لحظه صورت می‌گیرد؛ لحظه‌ای که ممکن است هرگز تکرار نشود. در این لحظه، داور بر اساس ظاهر و بدن شکل می‌گیرد. در واقع، امر بین‌الذهانی بر چنین فضایی غلبه کرده است. رسانه و اینترنت فضایی بین‌الذهانی ایجاد کرده است که واقعیت و «درست» و «غلط» بر مبنای آن درک می‌شود. البته این فهم از نوع سیال است و شاید امروز درست باشد و فردا غلط. هویت جوانان در این فضای بین‌الذهانی شکل می‌گیرد و البته، به معنی سرگشتگی نیست. امر بین‌الذهانی را نمی‌توان مدیریت کرد و برای آن راهکار ارائه داد، گرچه نباید در برابر آن منفعل و بی‌اختیار بود. پشت چنین امری قدرت

است و این امری یک‌دست نیست و متکثر است. اما در این تکثر، صداهایی برتر وجود دارد. امروزه، جوانی را باید جور دیگری دید و فهمید. از نظر کرمی، جوانی دوره‌ای است بین نوجوانی تا ۶۵ سالگی و بنابراین، دیگر میان‌سالی و پیری مطرح نیست و بعد از ۶۵ سالگی را سالمندی می‌گویند.

#### بدن به‌عنوان ابزار هویت‌ساز

اخلاصی از سه رویکرد طبیعت‌گرا، ساختارگرا و تعاملی برای تبیین بحث بدن نام می‌برد، اما رویکرد تعاملی را برای تبیین بحث بدن موفق‌تر می‌داند. این رویکرد به تلفیق بحث عاملیت و ساختار در بحث بدن می‌پردازد. انسان به هویت نیاز دارد و می‌خواهد خود را متمایز جلوه دهد. بدن راحت‌ترین وسیله ساختن هویت است. بحث دیگر از منظر «پزشکی‌شدن» است. از این منظر، افراد بین خود و مرگ فاصله می‌اندازند. سه‌ساز و کار برای تعویق مرگ وجود دارد: اجتماعی‌شدن بدن، عقلانی‌شدن بدن و فردی‌شدن بدن. آخری مهم‌تر است و خود انسان باید آن را مدیریت کند. بدن به‌منابه امر سیاسی نیز قابل تأمل است. تناقضی که در مورد امر سیاسی و بحث بدن در جامعه ایران وجود دارد، در واقع تعارض امر بین‌الذہانی و امر حاکمیتی یا سیاسی است. «مضيقه اقعاع» نیز موضوع دیگری است که تاحدی از تحولات جدید در حوزه ارتباطات و مسائل بین‌فرهنگی نشئت می‌گیرد. مراجع مشخصی در گذشته وجود داشتند که افراد رفتار و گفتار و تفکر خود را در چهارچوب آن تنظیم می‌کردند و خود را با آن انطباق می‌دادند. اما اکنون بحرانی معرفت‌شناختی پدید آمده است که توجه به بدن را به شدت افزایش می‌دهد.

#### «نوقیبه» و ظرفیت اخلاقی جوانان

سعید ذکایی رنج‌های جوانان را در کنار مفاهیمی چون بحران هویت، ریسک، ابهام، سرخوردگی و سرگشتگی قرار می‌دهد. از نظر وی، بخشی از مسائل جوانان وجهی عینی و ساختاری دارد و می‌توان برای فهم جوانی از مفهوم «زیرطبقه» استفاده کرد.

برخی از مسائل با گذار و چرخه‌های آن مرتبط است و وجهی فرهنگی دارد. از نظر وی، معنی رنج این است که بین خواسته‌ها و نیازها و آرمان‌های مطلوب و آنچه امکان‌پذیر است، فاصله وجود داشته باشد. رنج‌ها گاهی ساخته ذهن است. رنج‌های جوان امروزی با رنج‌های جوانان دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. احساس «پیش‌بینی ناپذیری» و «ناامنی» بسیار رنج‌آور است. از آن‌جا که جوانان دنبال سرمایه‌گذاری فرهنگی و انسانی برای رشد و تحرک اجتماعی‌اند، مطمئناً با آسیب‌های بیش‌تری مواجه می‌شوند و از آن‌جا که برخی مخاطرات پیش‌روی جوان‌ها به تصمیمات مهم بزرگ‌ترها وابستگی دارد، ممکن است سردرگمی و ابهام را بیفزاید. از طرف دیگر، انتخاب نامناسب هزینه‌سنگینی برای فرد دارد و مسئولیت‌پذیری دشوارتر و پیچیده‌تر می‌شود. موضوع رنج و ترس و محدودیت را باید به اقتضای واقعیت‌ها و موقعیت‌های نسلی و ساختاری بررسی کرد. شواهد نشان می‌دهد که همه جوان‌ها میل به مشارکت دارند و اندیشه‌های عدالت‌جویانه خوبی عرضه می‌کنند. این جوان‌ها که مانند اتم‌های منفردند، در فرصت مناسب می‌توانند دور هم جمع شوند و «نوقبیل» بسازند. ظرفیت اخلاقی نسل جوان را نباید نادیده گرفت. باید با کمک آموزش، نسلی مسئول و پرتوان و امیدوار تربیت کرد و فعال بودن را به آن‌ها آموزش داد. مشارکت صمیمانه و واقعی و نه نمایشی و نمادین تنها راه حل مشکلات جوانان است.

### تبدیل جوانان از «ابژه» به «سوژه»

مقصود فراستخواه می‌گوید جوانان نه تنها به ابژه‌ای برای بزرگان کشور تبدیل شده‌اند، بلکه به صورت «دیگری» فرض می‌شوند و جوانی که اصولاً نوعی راه‌حل است، به عنوان مشکلی اساسی جلوه داده می‌شود. تفاوت بین نسل‌ها این است که بزرگ‌ترها «ذخیره سنی» دارند و جوان‌ها «تنش سنی». ذخیره بزرگ‌ترها خاطراتی از انقلاب، تحولات صنعتی، رشد اقتصادی، جنگ، سازندگی، اصلاحات و تندروی‌ها و میانه‌روی‌ها است، اما خاطرات جوانان شامل انفعال و ضعف و قناعت سیاسی است و مقاومت